



واپن نشانی است

مجموعه خاطرات دکتر سعید جلیلی







# و این نشانی است

مجموعه خاطرات دکتر سعید جلیلی  
در محافل عمومی از بهار ۹۲ تا پاییز ۹۵



## ■ مقدمه

«انقلابی دیپلمات»، «دیپلماتِ آرام»، «موهای جوگندمی»، «مذاکراتِ هسته ای»، «اندیشه سیاسی در قرآن»، «انتخابات ریاست جمهوری ۹۲»، «قطعنامه و تحریم»، «پیشرفت‌های هسته ای»، «دفاع مقدس»، «پای جا مانده در کربلای ۵»، «نخ تسییح»، «ظرفیت»، «پراید» و ...

با دیدن عکس دکتر سعید جلیلی ممکن است هر کس به تناسب شناختش از او، تصویری از وی در ذهن داشته باشد اما قطعاً هیچ کس جز خود «جلیلی» نمی تواند روایت بهتری از افکار و شخصیت خود ارائه دهد؛ از این رو در مجموعه حاضر تلاش شده تا ۵۰ خاطره کوتاه که در حدفاصل بهار ۹۲ تا پاییز ۹۵ توسط خود دکتر جلیلی در نشست های مردمی و دانشجویی ایراد شده، جمع آوری و منتشر شود.

## ■ تعجب دیپلمات‌های اروپا از امنیت و پیشرفت ایران

برخی مقامات اروپایی وقتی به تهران می‌آمدند و با ما ملاقات می‌کردند، می‌گفتند ما اصلاً فکرش را نمی‌کردیم ایران این قدر پیشرفت کرده باشد. فکر می‌کردیم شما فقط دارید مقاومت می‌کنید. در این باره یکی از مقامات اروپایی که به تهران آمده بود، به من می‌گفت که هم «پیشرفت» و هم «امنیت» شما جالب است. من به او گفتم البته فرق امنیت شما با ما این است که یکی از همسایه‌های شما آلمان است و دیگری اتریش، اما یکی از همسایه‌های ما عراق است و دیگری افغانستان؛ یعنی ما در منطقه‌ای پُر از ناامنی زندگی می‌کنیم و چنین امنیتی داریم!

■ سخنرانی در دانشگاه آزاد شهرضا؛ ۲۱ اردیبهشت ۹۵



## ■ روایت اندیشمند روسی از عاقبت پناه‌بردن به

### مارکسیسم

ملت ما پناهگاهی به اسم «اسلام ناب» پیدا کرده است که این پناهگاه به او امنیت و آرامش می‌دهد. بعضی وقت‌ها به جایی پناه می‌برید که تصوّر می‌کنید پناهگاه است، ولی همان روی سر شما خراب می‌شود. زمانی در همین شمال کشور ما، به اندیشه مارکسیسم پناه بردند. بعد از هفتاد سال چه شد؟ خود همان شوروی هم تجزیه شد. اصلاً آن چنان بر سرش آوار شد که چیزی از آن روسیه قبل از سال ۱۹۱۷ باقی نماند. دوسه هفته پیش، یکی از اندیشمندان روسیه به تهران آمد و با هم گفت‌وگو کردیم. می‌گفت پناه‌بردن ما به مارکسیسم ثمره‌ای برایمان نداشت هیچ؛ آن چیزی را هم که داشتیم روی سر ما خراب کرد.

■ سخنرانی در دانشگاه آزاد شهرضا؛ ۲۱ اردیبهشت ۹۵

## ■ سؤال بی پاسخ از کاترین اشتون

اواخر سال ۹۲ خانم کاترین اشتون به تهران آمد و با من ملاقات کرد. در آن دیدار به او گفتم شما که ادعای دموکراسی دارید، این چه مدلی است؟ نظام استبدادی در مصر سرنگون می شود. خود مردم می آیند در همان انتخاباتی که حتی شما هم آن را قبول دارید، انتخاب می کنند؛ اما یک دفعه همه چیز با کودتایی مثل کودتای ۲۸ مرداد ایران تمام می شود. همه دیدیم با دولت مصر چطور رفتار کردند. مقامات مصر که دیگر علیه آمریکا رفتار تندی نکرده بودند. حتی روابطشان را با رژیم صهیونیستی هم حفظ کرده بودند و با ایران در موضوعاتی مثل سوریه اختلافاتی داشتند. آنها اتفاقاً خیلی هم سعی می کردند روابطشان را با آمریکا حفظ کنند، اما آمریکایی ها این را هم تحمل نکردند.

■ سخنرانی در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند؛ ۷ اردیبهشت ۹۵



## ■ غنی‌سازی ۲۰ درصد؛ قدرت‌آفرینی شهیدشهریاری برای ایران

در گفت‌وگوهای ژنو ۲ که مهر ۸۸ برگزار شد، به ۱+۵ گفتیم ما برای رآکتور تهران، سوخت ۲۰ درصد احتیاج داریم. در آن سال نزدیک به ۹۰۰ هزار بیمار در کشور از رآکتور تحقیقاتی تهران استفاده می‌کردند و سوختش در حال اتمام بود؛ لذا ما در ۱۲ خرداد ۸۸ رسماً به آژانس نامه نوشتیم که ایران عضوان پی‌تی<sup>۱</sup> و آژانس است و به این سوخت نیاز دارد. حتی قصد تولید آن را هم نداریم. اگر به ما می‌فروشید، خریدار هستیم. آنها که احساس کردند این مسئله می‌تواند اهرم فشار جدیدی روی ما باشد، گفتند شما غنی‌سازی را تعلیق کنید تا ما بررسی کنیم که آیا سوخت ۲۰ درصد را به شما بدهیم یا نه. گفتند باید تمام موادتان را از ایران خارج کنید تا شاید دو سال دیگر بتوانیم برایتان این سوخت را تأمین کنیم؛ این در حالی بود که اساسنامه آژانس می‌گفت آژانس باید دسترسی اعضایش را به مصارف صلح‌آمیز هسته‌ای تسهیل کند. من در گفت‌وگوی ژنو ۲ گفتم این حق ماست و اگر به ما نفروشید، ما خودمان تولید خواهیم کرد. نماینده یکی از کشورهای لبخندی زد و گفت اگر می‌توانید تولید کنید! واقعاً هم کار سختی بود اما در فاصله گفت‌وگوهای ژنو ۲ تا مذاکرات بعدی، «شهیدشهریاری» به تنهایی و باینکه می‌دانست هدف حمله آنهاست؛ این کار را انجام داد. جانش را در طبق اخلاص گذاشت و غنی‌سازی ۲۰ درصد را برای کشور تولید کرد. همین کار در دور بعدی گفت‌وگوها برای کشور قدرت‌آفرید. این می‌شود اتکا به درون و همان

اهرم فشاری که دشمن فکر می‌کرد می‌تواند با آن ما را به عقب براند؛ اما برعکس شد. حالا دستیابی به غنی‌سازی ۲۰ درصد اهرم فشاری برای ما شده بود و این بار به جای آنکه طرف مقابل روی غنی‌سازی ۳ درصد ایران چانه‌زنی کند، به ما می‌گفت بیایید دربارهٔ ۲۰ درصد صحبت کنیم.

■ سخنرانی در دانشگاه گیلان؛ ۲۳ فروردین ۹۵

## ■ پشت‌پرده استعفای کوفی عنان

آن اوایل که بحران سوریه آغاز شده بود، به دمشق رفتم و گفت‌وگوهایی را شروع کردم. در آن برهه کسانی که غائله را آغاز کرده بودند، فکر می‌کردند می‌توانند به سرعت به آنچه که می‌خواهند برسند؛ ولی بعد از مدتی که دیدند نتوانستند، آقای کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان را به سمت نماینده ویژه در امور سوریه گماشتند. همان موقع آقای عنان در ملاقاتی که داشتیم، پرسید شما راه حل سوریه را چه می‌دانید؟ گفتم راه حل سوریه یک کلمه بیشتر نیست و آن «دموکراسی» است. ایشان رفت و بعد از مدتی برگشت و گفت: «اتفاقاً راه حلی که شما پیشنهاد داده بودید درست است، اما آمریکا به دنبال دموکراسی نیست. این را در مصاحبه عمومی ام هم گفتم و به همین دلیل وقتی برگردم، این مسئولیت را واگذار خواهم کرد.» اتفاقاً بعدش هم استعفا کرد.

دموکراسی که با حرکت تروریستی و منفجرکردن ماشین در بازار دمشق و هر دفعه کشتن پانصد نفر محقق نمی‌شود. همان زمان ایران پیشنهاد داد بیاید انتخابات برگزار کنید



و در آن انتخابات، با سازوکار قانونی و کاملاً استاندارد، هرچه مردم سوریه انتخاب کردند، همان را قبول کنیم؛ نه اینکه شما از قبل پیش شرط بگذارید. همین الان هم می‌گویند انتخابات باشد ولی در انتخابات، فلانی نباشد. حُب اگر دموکراسی حاکم است توجه‌کاره‌ای؟ این را می‌گویی، چون خودت می‌دانی نتیجه انتخابات چیست.

■ سخنرانی در دانشگاه گیلان: ۲۳ فروردین ۹۵

## ■ ماجرای عقب‌نشینی آمریکایی‌ها از پیش‌شرط‌های خودشان

در گفت‌وگوهای دوره قبل، ما تنها از حقوق هسته‌ای دفاع نمی‌کردیم، بلکه از همه حقوقمان دفاع می‌کردیم. لذا خاکریز حقوق هسته‌ای خاکریز خط مقدم است. شما باید در آن محکم بایستید که دیگر دشمن به سایر خاکریزها و حقوق دیگر شما طمع نکند. براین مبنا شما باید منابع ملی و منابع اقتدار ملت را افزایش بدهید، نه اینکه از آن هزینه کنید. برای همین، آنهایی که در سال‌های ۸۱ و ۸۲ می‌گفتند شما حتی یک سانتریفیوژ نداشته باشید، در سال‌های بعد با واقعیاتی روبه‌رو شدند و دیدند که ما ۲۰ هزار سانتریفیوژ داریم. آنهایی که می‌گفتند شما حق ندارید ۳/۵ درصد غنی‌سازی بکنید، یک دفعه با این واقعیت روبه‌رو شدند که ما ۲۰ درصد غنی‌سازی کرده‌ایم.

هنر دستگاه مذاکره‌کننده و دیپلماسی باید حفاظت و صیانت از این منابع قدرت باشد. در تیر ۸۷ همین آمریکایی که می‌گفت تا ایران قطعنامه‌های شورای امنیت را اجرا نکند من پای میز گفت‌وگو حاضر نمی‌شوم؛ با پنج کشور دیگر آمد و پای گفت‌وگوها نشست. روند به جایی رسید که همان کسانی که زمانی می‌گفتند یک سانتریفیوژ هم نباید نداشته باشید، در مذاکرات آلماتی ۲ حرفشان به ما این بود که حالا بیایید درباره ۲۰ درصد صحبت کنیم. اصلاً دیگر سطح چانه‌زنی عوض شده بود و طرف مقابل بود که مجبور به عقب‌نشینی می‌شد.

■ سخنرانی در همایش اقتصاد مقاومتی در لانه جاسوسی سابق؛ ۱۲ اسفند ۹۴

## ■ رازمدارای امام عجل الله فرجه با بنی صدر

در سال ۱۳۵۸ بنی صدر با آن ویژگی‌هایی که داشت، به ریاست جمهوری انتخاب شد. امام با آن شخصیت و ویژگی‌شان می‌توانست بگوید این فرد به درد نمی‌خورد، ولی خواست مردم بصیرت پیدا کنند. به همین دلیل حوصله می‌کرد تا مردم تصوّر نکنند کسی را که انتخاب کرده‌اند، دارد به ناحق کنار زده می‌شود. برخی آن زمان می‌پرسیدند چرا امام این قدر حوصله می‌کند؟ چرا فرماندهی کل قوا را به او داد؟ علت این بود که امام می‌خواست مردم را به حقیقت نزدیک کند و غبار را از میان بردارد تا چهره‌ای را که به غلط وارد نظام شده بود، خود مردم بشناسند. لذا وقتی حقایق برای مردم روشن شد، نه تنها عزل او لطمه‌ای به نظام نزد، بلکه پس از آن پیروزی‌های مهمی مانند فتح خرمشهر هم رقم خورد. برای مبنا ما هم باید این نگاه را داشته باشیم تا بتوانیم فتنه‌ها را درست تشخیص بدهیم و در عرصه‌های مختلف نقشمان را ایفا کنیم. اگر از این زاویه به موضوع نگاه کنید، هم می‌توانید رفتار دشمن را خوب درک کنید، هم رفتار نظام را در این قضیه بفهمید.

■ سخنرانی در جمع طلاب مدرسه معصومیه؛ ۳ دی ۹۴



## ■ اگر نمی‌دانید، باید همه را آزاد کنید

در حوادث روز عاشورای سال ۸۸ که در تهران اتفاق افتاد، افرادی دستگیر شدند. طبیعی است که عده‌ای از بی‌گناهان نیز همراه گناهکاران دستگیر شده باشند. چند روز که گذشت، پرسیدیم چه شد؟ گفتند تفکیک اینها سخت است و نمی‌دانیم چه کسانی بی‌گناه و چه کسانی گناهکار هستند و از طرفی هم ۲۲ بهمن را در پیش داریم و اگر اینها را آزاد کنیم، ممکن است در ۲۲ بهمن همین آشوب‌ها را راه بیندازند.

در آن زمان با نگاه مبتنی بر «مدیریت بحران» با شکل غربی، باید همه بازداشت‌شده‌ها را ننگه می‌داشتند تا ۲۲ بهمن بگذرد؛ اما نگاه ولی فقیه عادل متفاوت بود. ایشان فرمودند اگر احتمال می‌دهید حتی یکی از اینها هم بی‌گناه است، باید هر صد نفر آزاد شوند. آقا فرمودند شما حق ندارید حتی یک بی‌گناه را ننگه دارید. شاید کسی که کارشناس امنیتی باشد بگوید نه، اما نگاه دینی این طور است. لذا همه آنها هم آزاد شدند. خود آن دستگاه‌های امنیتی بعداً گفتند تصوّرش را هم نمی‌کردیم در ۲۲ بهمن هیچ آشوبی نشود و هیچ فتنه‌گری جرئت بروز پیدا نکند. این یعنی باور به نظر ولی فقیه عادل‌ی که می‌خواهد جامعه را اداره کند و ادعای حکومت دارد.

■ سخنرانی در جمع طلاب مدرسه معصومیه؛ ۳ دی ۹۴

## ■ زیارت حرم حضرت زینب با سردار همدانی

چند سال قبل، در اوج بحران سوریه و در شرایطی که بسیاری از مسئولان سوری ترور شده بودند و حتی بعضی از مقامات دولتی این کشور نیز فرار کرده بودند؛ به دمشق رفتم و با بشار اسد دیدار کردم. آن روز حتی برخی مسئولان سوری می‌گفتند شرایط امنیتی سوریه خوب نیست. به ما اعلام کردند به چند ملاقات دیپلماتیک اکتفا کنید و جای دیگری نروید؛ اما سردار همدانی به من گفت بیا با مسئولیت من به حرم حضرت زینب سلام‌الله‌علیها برویم. توفیقی حاصل شد و به زینبیه رفتیم.

بعد از این اتفاق، خود مسئولان سوری تعجب کردند که ما با چه محاسبه‌هایی این کار را کردیم! در آن شرایط، نماد تفکر بسیجی، سردار همدانی می‌گفت نظام سوریه باقی می‌ماند و سقوط نمی‌کند. ما می‌توانیم مانع سقوط آن شویم. این حرف او شعار نبود؛ این را در عمل نشان داد.

■ سخنرانی در جمع مردم ملایر؛ ۵ آذر ۹۴

## ■ چرا سران فتنه حصر شدند؟

در سال ۸۸ ایران در مباحث فتنی، حقوقی و حتی منطقه‌ای دست برتر را داشت، اما کسانی از داخل می‌خواستند این قدرت را تضعیف کنند. آنها در طول هشت ماه ظلم بزرگی به ایران کردند، تا اینکه ۹ دی و ۲۲ بهمن ۸۸ پیش آمد. جالب اینجاست که تا بهمن ۸۹، یعنی یک سال بعد از سال ۸۸ نیز سران فتنه آزاد بودند و کسی به آنها کاری نداشت. یک سال بعد، دوباره فرصتی به نام بیداری اسلامی شکل گرفت و برخی متحدان آمریکا سرنگون شدند. بیست ماه بعد از انتخابات، این افراد که در آن هشت ماه نتوانسته بودند کاری بکنند، تلاش کردند این فرصت را تبدیل به تهدید کنند. می‌خواستند نظام ایران را که مردم سالاری آن به الگوی کشورهای جهان تبدیل می‌شود، در ردیف حکومت‌های دیکتاتور قرار بدهند. بعد از این ماجرا بود که در بهمن ۸۹ شورای عالی امنیت ملی تصمیم گرفت سران فتنه را حصر کند، زیرا باز هم می‌خواستند فرصت‌های نظام را به تهدید تبدیل کنند.

■ سخنرانی در دانشگاه یزد: ۲۶ آبان ۹۴

## ■ تهدید زدایی مهم است، نه تنش زدایی

در ایام انتخابات بحث «تنش زدایی» را مطرح کردم. اگر ما خودمان بگوییم می‌خواهیم در عرصه سیاست خارجی تنش زدایی کنیم، دشمن می‌گوید صرف موضوع تنش برای ایران موضوعیت دارد و همین بهترین اهرم در دست دشمن می‌شود. می‌گوید چون تنش برای ایران مهم است، هر بار که تنش بیشتر شود، پس جمهوری اسلامی هم بیشتر عقب‌نشینی می‌کند.

شاید عده‌ای از حرفم اینطور برداشت کنند که بنده مخالف تنش زدایی هستم و بگویند اینها یک مشت آدم بی‌منطق هستند که دنبال جنگند؛ اما کاملاً برعکس است، چون منطق حاکم بر این نگاه موجب تنش زدایی می‌شود.

اگر شما بخواهید مانع تنش زدایی بشوید، باید شعار «تهدید زدایی» بدهید، نه تنش زدایی. باید بگویید نمی‌گذارم من را تهدید کنید؛ حالا این چه با تنش باشد و چه بی‌تنش. البته اگر بدون تنش باشد خیلی بهتر است، اما اگر دشمن احساس کند ما از تنش فراری هستیم، اتفاقاً همان را اهرم قرار می‌دهد برای اینکه دائم به ما فشار بیاورد. پس اگر شعارمان تنش زدایی باشد، در عمل هم بیشتر تهدیدمان می‌کنند و دچار تنش بیشتری با دشمن خواهیم شد.

همه دیدید که در همین اتفاقات تلخ منا، کشوری مثل عربستان چقدر گستاخ می‌شود. این همه انسان را می‌کشد، بعد می‌گوید معذرت خواهی نمی‌کنم. جنازه‌ها را هم تحویل نمی‌دهم! اینجاست که عربستان باید بفهمد برای ما «تهدید زدایی» مهم است نه «تنش زدایی». یعنی اگر لازم باشد این تهدید را دفع کنیم، اتفاقاً از تنش هم

استقبال می‌کنیم. جلوی آن می‌ایستیم و اجازه نمی‌دهیم  
که ایران را تهدید کند و هر کار می‌خواهد بکند.

■ سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف: ۸ مهر ۹۴

## ■ حتی یک وجب راهم از دست نداده‌اند

زمانی که معاون اروپا آمریکای وزارت خارجه بودم، زیاد به کشورهای اروپایی می‌رفتم. مساحت هلند یک چهلیم ایران است؛ مثلاً به اندازه یک سوم استان فارس. آن سال حجم مبادلات اقتصادی هلند ۳۴۰ میلیارد دلار بود. از آسمان که برایشان زرنمی‌بارد؛ از امکاناتشان درست استفاده می‌کنند. وقتی که شما وارد هلند می‌شوید، تا خود لاهه<sup>۱</sup> زمین کشاورزی است. حتی یک وجب راهم از دست نداده‌اند. سالی سه بار محصول برداشت می‌کنند. غرض اینکه ما هم با این امکانات فراوانمان که انصافاً شاید با خیلی از کشورهای دیگر مقایسه‌کردنی نباشد، خیلی بهتر از این می‌توانیم کشور را مدیریت کنیم.

سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف؛ ۸ مهر ۹۴ ■

## ■ به معاون مرسی گفتم به آمریکا اعتماد نکنید

دوسه ماه قبل از اینکه دولت محمد مرسی در مصر سقوط کند، معاونش به تهران آمد و با من ملاقاتی کرد. من به او گفتم شما این تجربه ما را مدنظر داشته باشید و خیال نکنید اگر با آمریکا همراه شوید، در مسیر پیشرفت قرار می‌گیرید. گفتم یکی از هنرهای امام خمینی رحمته‌الله علیه شناخت صحیح صحنه واقعیت بود. برای مثال ایشان بعد از قضیه تسخیر لانه جاسوسی، نگاه‌ها را متوجه آمریکا کردند و گفتند این انقلاب بزرگ‌تر است. اینها را به او گفتم اما گفت: «نه، ما با آمریکا مناسبات خوبی داریم. آنها قول داده‌اند که از ما حمایت کنند. اتفاقاً الان هم ما با کمک آنها خیلی از بحران‌ها را مدیریت می‌کنیم.» شما دیدید دوسه ماه بعد از اینکه ایشان از ایران رفت، علیه دولت مرسی کودتا شد. «وَأَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهًا لَعَلَّهُمْ يُنْصُرُونَ لَا يَسْتَتِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحَضَّرُونَ». فکر می‌کنند اگر غیر از او کسی را به خدایی بگیرند، پشتیبانشان است و این واقعاً نمی‌شود.

■ سخنرانی در دانشگاه امام حسین علیه السلام: ۲۸ مرداد ۹۴

## ■ گفت‌وگو بر سر حق

زمانی که معاون اروپا آمریکاى وزارت خارجه بودم، با همتای فرانسوی ام ملاقات کردم. مشکلی برای یکی از ساختمان‌های سفارت آنها در تهران پیش آمده بود و در جلسه آن را مطرح کرد. من گفتم باید کمیته‌ای تشکیل بشود و موضوع را بررسی بکند. بلافاصله ناراحت شد و گفت: «یعنی چه کمیته تشکیل بشود؟» دوسه بار این جمله را تکرار کرد. من هم گفتم باید کمیته تشکیل بشود تا این مسئله را بررسی کنیم. گفت: «این جزء حقوق ماست. حق که گفت‌وگوپذیر نیست!» من هم به او گفتم اتفاقاً می‌خواستم تو را به همین جا برسانم. اگر حق گفت‌وگوپذیر نیست، پس چرا ما باید بر سر حقوق هسته‌ای خودمان با شما گفت‌وگو کنیم؟

■ سخنرانی در دانشگاه امیرکبیر؛ ۳ خرداد ۹۴



## ■ امتیاز جعلی که در ژنو پذیرفته شد

در مذاکرات آلمانی، ۱+۵ می‌گفت در ازای همکاری دو طرف، تحریم صادرات پتروشیمی ایران به اروپا برداشته می‌شود. این گامی بود که طرف مقابل می‌خواست بر مبنای آن با ما همکاری کند. برای همین، ما قبل از گفت‌وگوهای آلمانی، صاحبان پتروشیمی را جمع کردیم و گفتیم طرف مقابل چنین موضوعی را امتیاز معرفی کرده و آن را به ما پیشنهاد داده است. نظر شما چیست؟ صاحبان پتروشیمی خندیدند و گفتند در منطقه برای صادرات پتروشیمی، مشتری‌های بسیاری داریم و شما اگر می‌خواهید کمک بکنید، بگویید که دولت جلوی صادرات ما را نگیرد. ما اصلاً به مشتری اروپایی نیاز نداریم.

می‌خواهم بگویم طرف مقابل این مسئله را امتیاز معرفی کرد و می‌خواست آن را به ما بدهد و از ما امتیاز بگیرد. بعداً دیدید که در توافق ژنو آمدند همین امتیاز را به ما دادند و آن قدری که من اطلاع دارم، هنوز هم یک مشتری اروپایی نیامده از ما محصولات پتروشیمی بخرد.

■ سخنرانی در دانشگاه امیرکبیر؛ ۳ خرداد ۹۴

## ■ عاقبت عبرت‌آموز شوروی پس از عقب‌نشینی مقابل کدخدا

خیلی‌ها بودند که رفتند با کدخدا ساختند، اما دیدید چه به سرشان آمد! همین اتحاد جماهیر شوروی اندیشه خودش و تمام آنچه را که داشت، کنار گذاشت. مارکسیسم را به موزه‌های تاریخ فرستاد. کشور خودش را به چندین کشور تجزیه کرد. بسیاری از سلاح‌های راهبردی‌اش را از بین برد. دیگر از ظرفیت‌های منطقه‌ای که در جای جای دنیا مثل کوبا و ویتنام و... داشت، حمایت نکرد و هر کاری می‌توانست، انجام داد. نتیجه‌اش چه شد؟ گفتند حالا باید خود روسیه به سه کشور تجزیه بشود؛ دوم اینکه ناتو باید به سمت شرق توسعه پیدا کند؛ سوم اینکه روسیه را از گروه جی ۸ اخراج کردند؛ چهارم اینکه تحریم‌ها را علیه او وضع کردند؛ پنجم اینکه همین سپر دفاع موشکی را که می‌گفتند ما نگران آن هستیم، بردند در رومانی و لهستان نصب کردند و همه اقدامات را علیه او انجام دادند.

■ سخنرانی در دانشگاه امیرکبیر؛ ۳ خرداد ۹۴

## ■ اصول سیاست خارجی در رفتار با ایران

من شاهد عینی هستم و می‌توانم شهادت بدهم که در آن شش‌سالی که مسئول گف‌ت‌و‌گوها بودم، باینکه تمام دولت‌های طرف‌های مقابل ما در طول مذاکرات عوض شدند و احزاب مخالف به قدرت رسیدند؛ ذره‌ای رفتار آنها عوض نشد.

برای مثال وقتی بوش رفت، او با ما به قدرت رسید و در فرانسه بعد از سارکوزی، اولاند بود که از حزب مقابل به پیروزی رسید. همچنین در انگلیس، بعد از حزب کارگر، محافظه‌کاران به قدرت رسیدند؛ اما به اندازه یک اپسیلون رفتار آمریکا در گف‌ت‌و‌گوها تغییر نکرد و حتی اشخاص حاضر در تیم مذاکره‌کننده نیز عوض نشدند.

مثلاً برنز و شرمن از قبل در مذاکرات بودند و آن وقتی که برنز «ارتقای مقام» پیدا کرد، نفر بعدی وارد گف‌ت‌و‌گوها شد. حقیقت این است که در انواع سیاست‌های خارجی موجود در دنیا اصولی وجود دارد که به آن می‌گویند اصول سیاست خارجی و به همین دلیل، رفتار آنها با ایران عوض نمی‌شود.

■ سخنرانی در دانشگاه سمnan: ۲۷ مهر ۹۵

## ■ آمریکایی‌ها الان خواب هستند؛ چند ساعت دیگر

### صبر کنید

در ماجرای بیانیه تهران در سال ۸۹ آقای احمد داووداوغلو، وزیر خارجه ترکیه، به تهران آمد و با من ملاقات کرد. در آن دیدار نامه‌ای از جیبش درآورد و گفت او با ما به ما گفته اگر ایران برای تبادل سوخت، مثلاً فلان کار را انجام بدهد، می‌شود یک گام اساسی پیش رفت. من گفتم آقای داووداوغلو، شما این را در چارچوب ان پی تی و اساسنامه آژانس می‌گویی یا فراتر از آن؟ گفت نه، ما در چارچوب ان پی تی می‌گوییم. یک هفته بعدش هم آقای سلسو آموریم، وزیر خارجه برزیل به ایران آمد. نامه او با ما در جیب او هم بود. به من گفت رئیس جمهور آمریکا نامه‌ای به رئیس جمهور برزیل نوشته و این موضوع را مطرح کرده است.

او با ما نامه را به این دو نفر نوشته بود، چون آن زمان برزیل و ترکیه عضو غیردائم شورای امنیت بودند و آمریکا می‌خواست از این طریق به بهانه سوخت ۲۰ درصد، فشار مضاعفی به ایران بیاورد و در شورای امنیت علیه ایران قطعنامه صادر کند. نگران بود که این دو کشور به قطعنامه رأی مثبت ندهند و مانع اجماع اعضا شوند؛ لذا برزیل و ترکیه را جلو فرستاد که مثلاً اینها بیایند و ما بگوییم نه.

ما از هفت صبح نشستیم و درباره این موضوع تا یک نصفه شب بحث کردیم. در نهایت خروجی آن شد بیانیه تهران. آنها هم خیلی خوشحال شدند. آن زمان آقای لولا، رئیس جمهور برزیل در مسکو بود و به تهران آمد. آقای اردوغان هم از آنکارا به تهران آمد. در نهایت بیانیه تهران طوری نوشته شد که حقوق ایران در آن کاملاً حفظ شده بود.

زمانی که بیانیه تهران صادر شد، ساعت نُه صبح بود. یکی از خبرنگارها کنار من بود و پرسید: «پس چه شد؟ این که همان نظر آمریکایی‌ها شد.» گفتم: «الان آمریکا شب است و آنها خواب‌اند. هفت هشت ساعت دیگر بیدار می‌شوند و آن وقت خواهی دید نظر آنها چیست.» آمریکایی‌ها همان شب موضع گرفتند و قطعنامه ۱۹۲۹ را روی میز گذاشتند. بلافاصله من به وزیر خارجه برزیل و ترکیه در تماس تلفنی گفتم دیدید اینها افراد مطمئنی نیستند؟! فوراً آقای لولا و آقای اردوغان هم مصاحبه کردند و گفتند این کار آمریکا آبروی ما را برد، چون به ما دروغ گفت و نامه نوشت که شما بروید این کار را بکنید؛ ولی حالا که توافق هم حاصل شده، باز علیه ایران قطعنامه صادر کرده‌اند. پس معلوم می‌شود اصلاً آمریکا هدف دیگری داشته است.

■ سخنرانی در دانشگاه قم؛ ۱۵ اردیبهشت ۹۴

## ■ سولانا گفت بنزین بدون ماشین را می‌خواهید چه‌کار؟

نیروگاه اتمی باید سوخت هسته‌ای داشته باشد که کار نکند. نمی‌شود سوخت گازوئیل به نیروگاه اتمی بریزید. حالا اگر این سوخت را نداشته باشید و بروید نیروگاه بسازید؛ یعنی هرچه هزینه کرده‌اید، هیچ! اینها راجع به سوخت فسیلی هم داشتند این کار را می‌کردند. حتماً یادتان هست که چند سال قبل سراغ تحریم بنزین رفتند و یکی از بحث‌های اساسی آنها در اواخر دولت بوش و اوایل دولت او‌باما، همین مسئله بود؛ ولی خوشبختانه با حرکتی که در بحث خودکفایی بنزین صورت گرفت، تیرشان به سنگ خورد.

یادم هست در یکی از گفت‌وگوهای لندن در سال ۸۶، آقای سولانا همین نکته را بیان کرد. گفت شما مثل کسی هستید که ماشین ندارد، ولی می‌خواهد بنزین تولید نکند. برای چه این کار را می‌کنید؟ گفتم من از شما یک سؤال می‌کنم. اگر ما رفتیم ماشینی را خریدیم که اتفاقاً ماشین گران‌قیمتی هم بود، ولی بعد بنزین نداشتیم، باید چه کنیم؟

■ سخنرانی در دانشگاه آزاد ارومیه: ۲۵ فروردین ۹۴



■ **جالب است که هم مقاومت می‌کنید و هم پیشرفت!**

مدت‌ها قبل، آقای پرودی، نخست‌وزیر سابق ایتالیا به تهران آمد و با من ملاقات کرد. در آن دیدار می‌گفت من سی سال است که مسائل ایران را دنبال می‌کنم و می‌بینم چه شرایطی بر کشور شما حاکم است. آنچه که اهمیت دارد این است که شما فقط مقاومت نکرده‌اید؛ پیشرفت هم کرده‌اید. ایشان جدای از سابقه نخست‌وزیری ایتالیا، دکترای اقتصاد هم دارد و نظریه پرداز توسعه است. این تعبیر را سران برخی از کشورهای اروپایی هم در دیدارها به صراحت بیان می‌کردند. می‌گفتند این فشاری که به شما وارد می‌شود، اگر به دولت ما وارد می‌شد، شش ماه هم نمی‌توانستیم دوام بیاوریم. شما سال‌هاست که هم مقاومت می‌کنید و هم پیشرفت. آنها می‌فهمند که این انقلاب از جنس دیگری است.

■ سخنرانی در مسجد جامع ابوذر تهران؛ ۱۶ بهمن ۹۳

## ■ تفاوت ایران و قاهره

نویسنده‌ای مصری به نام «فهمی هویدی» دوسه سال پیش گفت چند ماه قبل از اینکه انقلاب ایران پیروز شود، ما رفتیم کمپ دیوید را امضا کردیم و متحد آمریکا شدیم. ایران از آن سال انقلاب کرد و در برابر آمریکا قرار گرفت و شد مبارز علیه آمریکا. حالا بعد از گذشت سی سال، امروز ۲ میلیون نفر در قاهره توی قبرستان‌ها و خیابان‌ها می‌خوابند، اما ایران ماهواره به فضا می‌فرستد!

■ سخنرانی در مسجد جامع ابوذر تهران؛ ۱۶ بهمن ۹۳



## ■ مصاحبه‌ای که دائم سانسور می‌شد

ما در مذاکرات به آنها می‌گفتیم با وجود اینکه آمریکا دربارهٔ فعالیت سانتریفیوژها در ایران ادعای نگرانی می‌کند، چرا شما نگران جان شهروندان خود نیستید؟ براساس گزارش رسمی نهادهای آمریکایی، ۱۷۸ کیلوگرم اورانیوم غنی شده با غنای زیاد، سال‌ها قبل در این کشور مفقود شده و هنوز پیدا نشده است. هر بار مصاحبهٔ بنده را در این باره سانسور کردند. موضوع اینجاست که مسئلهٔ هسته‌ای برای آنها بهانه است. اگر قرار باشد موضوع مباحث روابط با جامعهٔ جهانی باشد، ۱۳۰ کشور عضو جنبش عدم تعهدها هستند. این کشورها سالی دو بار در شورای حُکام در حمایت از ایران بیانیه می‌دهند.

■ سخنرانی در دانشگاه فردوسی مشهد: ۱۱ آذر ۹۳

## ■ حادثه هیروشیما حقان بود!

سال ۸۸ به ژاپن رفتم و با نخست وزیر این کشور ملاقات کردم. جالب بود که نخست وزیر و وزیر خارجه ژاپن و یک نفر شاهد عینی که پیرزنی هفتاد و هشتاد ساله، از بازماندگان حادثه هیروشیما بود، بیان می کردند که اگر ما بمباران هسته ای و اتمی شدیم، حقان بود! نخست وزیر ژاپن می گفت: «حزب ما بعد از شصت سال توانسته در انتخابات، حاکمیت و قدرت را به دست بگیرد. کاری که ما کردیم این بود که به مردم وعده دادیم اگر حاکمیت را در دست بگیریم، می توانیم بگوییم بعد از گذشت نزدیک به هفتاد سال از جنگ جهانی دوم، آمریکا پایگاه های نظامی را تحویل بدهد و از خاک کشورمان خارج بشود؛ ولی الان می بینیم نمی توانیم این کار را انجام بدهیم. احتمالاً به همین علت من استعفا خواهم داد.» اتفاقاً چند ماه بعد هم استعفا داد. ایشان بعد از مدتی نماینده مجلس شد و به تهران آمد. با من ملاقات کرد و گفت نشد. من در همان دیدار گفتم شما بعد از هفتاد سال می گوئید ما هنوز نمی توانیم به این قدرت بگوییم از جزایر ما برو بیرون، ولی چطور در همین منطقه ما و در همین عراق



این اتفاق افتاد و آمریکا این کشور را ترک کرد؟ پس  
می‌شود با مدل‌های دیگری این کار را کرد.

■ سخنرانی در دانشگاه شهید بهشتی؛ ۶ آبان ۹۳

## ■ از قرآن سر نیزه تا شعار «بسیجی واقعی، همت بود و باکری»

اگر زمانی ابوسفیان در برابر قرآن ایستاد، اینجا هم شما دیدید که یک دفعه آمدند و شعار دادند: «بسیجی واقعی همت بود و باکری». این حرف کاملاً درستی است و واقعی‌ترین بسیجی‌های ما امثال همت و باکری هستند، اما این چه ربطی به آنهایی داشت که این شعار را می‌دادند؟ این از کم‌کاری‌های ماست. یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های ما در دفاع مقدس، سرمایه معنوی بود.

برادر بسیجی‌مان، آقای بهزاد، سخنرانی شهید همت را در مجموعه‌ای جمع کرده‌اند. من به همه توصیه می‌کنم که این کتاب<sup>۱</sup> را بخوانند تا معلوم شود همت‌ها و باکری‌ها چه اندیشه‌ای داشتند.

این عین جمله شهید بزرگوار ما در ۱۶ فروردین ۶۲ در دوکوهه است: «آمریکا در واکنش دومرحله‌ای خودش برای کندی روند انقلاب و سرنگونی آن، از سه شگرد استفاده کرده است: به‌سازش کشیدن انقلاب، به‌انحراف کشیدن انقلاب و جلوگیری از صدور انقلاب». بعد تحلیلی قوی و جدی از حرکت‌های آمریکا ارائه می‌دهد. این افق نگاه تیزبین شهدای بزرگوار ما بود. تعبیرش این است: «آمریکای جهان خوار به مارهایی که از مدت‌ها پیش در آستین خودش پرورش داده است، امید بسته بود؛ اما وقتی شکست خورد، می‌خواست انقلاب ما را منحرف کند.»

همت‌ها و باکری‌ها هنوز هم در نقدکردن آمریکا،

۱ - منظور، کتاب «به‌روایت همت» است که اولین بار در سال ۱۳۹۱ منتشر شد.

الهام بخش ما هستند. ما باید اینها را بشناسیم و  
معرفی کنیم.

■ سخنرانی در جمع مردم همدان: ۱۰ مهر ۹۳

## ■ روایتی از شهید ابراهیمی و حاج شریف

صبح همان روزی که عزیز ما آقای علی ابراهیمی به شهادت رسید، من سه چهار ساعت قبلش در کنار ایشان و در خدمت ایشان بودم. شب سوم یا چهارم عملیات کربلای ۵ بود. آن زمان شهرک دویبجی عراق، مرکز ادوات و تسلیحات و جنگ افزار عراق بود. عراقی‌ها برای حفظ آن، خیلی جدی مقاومت کردند. قرار بود یکی دوتا از آن هلالی‌ها جلو برود، اما مدام مانع ایجاد می‌شد. بعدها که دوستان توانسته بودند به آن شهرک بروند، می‌گفتند آنجا دیدیم چه خبر بوده: جنگی نابرابر.

تمام آن تجهیزات و ادوات را در برابر نیروهایی که غیر از سلاح معمولی چیزی نداشتند، به کار گرفته بودند. اما چرلز مندیگان مادر کمتر از چهارده یا پانزده ساعت موفق شدند؟

تقریباً نصفه‌های شب بود که این برادر عزیزمان، جناب آقای حاج شریف به شهادت رسید. بعد عزیزمان، آقای ابراهیمی کار را برعهده گرفتند. شاید دوسه تا گردان بودند که در مجموع، از آنها سی‌چهل نفر نیرو باقی مانده بود. اکثرشان یا شهید شده بودند یا مجروح. من کنار آقای ابراهیمی بودم. ایشان برآوردی کرد و گفت ما الان راهی نداریم الا اینکه خط را بشکنیم و به آن طرف برویم. گفتم الان سی تا نیرو بیشتر اینجا نیست. گفت اشکال ندارد. با برآوردی که کرد، گفت ما باید از خاکریز عبور کنیم و برویم تا بتوانیم آن موفقیت‌ها را به دست بیاوریم. در همین بین، خود ایشان هم به شهادت رسید. چرا این فرجام برای جنگ ما رقم می‌خورد؟ چون کسانی آمدند که دیگر محاسبه‌های قبلی را قبول نداشتند.

## ■ ماجرای مذاکره با ۱+۵ در کاخ صدام

دو سال قبل، در ۳ خرداد ۹۱ با گروه ۱+۵ در بغداد مذاکره کردیم. در آنجا گفتم امروز شما یادتان بیاید زمانی را که با تمام توان پشت سر صدام بودید. صدام با ما نمی جنگید؛ شماها بودید که می جنگیدید. یکی سلاح شیمیایی می داد؛ یکی موشک می داد؛ یکی هواپیما می داد و آن کسی هم که هیچ چیز نداشت، پول می داد. اما الان صدام کجاست و ما کجا هستیم؟ ما داریم در کاخ صدام با شما گفت و گو می کنیم. چرا؟ چون ما مبنای محاسبه ها را عوض کردیم. این پیام قرآنی که «اَسْتَجِیْبُوا لِلّٰهِ وَلِرَّسُولِ اِذَا دُعَاکُمْ لِمَا یُحْیِیْکُمْ» را ملت ما تجربه کرد. اگر قبلاً فقط آن را باور داشت، امروز تجربه هم کرده است که اگر شما دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، حیاتی جدید می گیرید و ملت ما این حیات را گرفت.

■ سخنرانی در جمع مردم مشهد: ۱۶ مرداد ۹۳



## ■ گنجان در محاسبات دشمن جایی نداشت

اینکه روستای «گنجان» که در زمان جنگ تحمیلی هفتصد نفر جمعیت داشته و هفتاد شهید تقدیم می‌کند، می‌دانید یعنی چه؟ چرا در جنگ، دشمن موفق نشد جلوی ملت ما را بگیرد؟ چون روستای گنجان را در محاسبه‌های خودشان نگنجانده بودند و نمی‌دانستند چنین وضعیتی وجود دارد. روستایی که صدها کیلومتر با مرزها فاصله دارد، اما وقتی احساس می‌کند که انقلاب اسلامی با خطر مواجه است؛ از هر ده نفر یک نفرش را تقدیم اسلام می‌کند. این است که برای آنها نگران‌کننده است. اینها مؤلفه‌های قدرت ملت ماست.

■ سخنرانی در جمع مردم گنجان؛ ۲۷ خرداد ۹۳



## ■ ترس از الگوشدن ایران

آقای «فریدمن» مقاله‌ای نوشته و در آن طرح کرده بود مشکل ما با انقلاب اسلامی این است که دارد به دنیا نشان می‌دهد نه تنها بدون آمریکا می‌شود پیشرفت کرد، بلکه در مبارزه با آمریکا هم می‌شود پیشرفت کرد. ترس آنها از همین است که ایران دارد الگو می‌شود.

■ سخنرانی در خانه شهر کرمان؛ ۲۸ خرداد ۹۳

■ چرا خروجی ادعای پلورالیزم فقط دو حزب هستند؟  
در یکی از گفت‌وگوها به یکی از طرف‌های مذاکرات  
گفتم در این دو‌یست سال گذشته در آمریکا و با وجود  
این ۲۵۰ میلیون نفر جمعیت و این همه ادعای پلورالیزم  
و تکثرگرایی، واقعاً به جز دو حزب جمهوری خواه و  
دموکرات کس دیگری نیست که در این مدت همه چیز  
دست همین دو تا حزب بوده؟! یعنی واقعاً هیچ نگاه  
سومی نیست؟! پس این چجور دموکراسی‌ای است؟!  
حداقل شما در موضوع ایران ببینید. در این سی و پنج  
سال گذشته، واقعاً دو تا نگاه بوده یا تکثر در ایران  
بیشتر بوده است؟

■ سخنرانی در خانه شهر کرمان: ۲۸ خرداد ۹۳

## ■ می‌گویند مقاومت ادامه دارد

یادم نمی‌رود که وقتی توفیقی داشتیم. نیروی ساده بودیم و می‌آمدیم در مناطق جنگی و دفاع مقدس. وارد شهر دزفول که می‌شدی، فضایی می‌دید که حیرت‌آور بود. انگار نه انگار این شهر زیر سخت‌ترین حملات موشکی دشمن است. این پدیده‌ای است که دشمن نمی‌تواند آن را تحلیل کند. می‌تواند خیلی از موانعی را که در برابرش قرار دارد، با یک موشک سهمگین از بین ببرد، ولی برای این نمی‌تواند کاری کند. حالا این موشک نه‌متری اگر بشود صد‌متری، چه کار می‌تواند بکند؟ چگونه می‌توانند در برابر ملّتی که نمی‌ترسد؛ ملّتی که می‌ایستد؛ ملّتی که با افتخار مقاومت می‌کند، بایستند؟ دزفول چنین پدیده‌ای است. پدیده‌ای است که پیرمرد هشتادساله‌اش، مرحوم آیت‌الله قاضی باصلابت می‌ایستد و وقتی کودک هفت هشت ماهه‌ای زیر این موشک‌ها به شهادت می‌رسد، پدر و مادرش با افتخار او را روی دست بلند می‌کنند و می‌گویند مقاومت ادامه دارد.

آنها باید از این نگاه نگران باشند. این‌گونه است که اینها نمی‌توانند با هیچ چیز این ملّت را در هم بشکنند. این همان معمای حل‌نشده‌ی آنهاست. این است آن معمایی که آنها می‌گویند ما ۳۵ سال است که همه مشکلات را حل کرده‌ایم و این را نتوانسته‌ایم حل کنیم.

■ سخنرانی در تالار مهتاب دزفول؛ ۴ خرداد ۹۳

## ■ چند کشور خاص «جامعه جهانی» هستند؟!

چند کشور خود را مساوی با جامعه جهانی می دانند و می گویند جامعه جهانی نگران مثلاً فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی ایران است. در بحث با آنها، یکی از سؤالاتمان این بود که جامعه جهانی یعنی چه؟ ما ۱۸۰ کشور داریم که دوسوم آنها عضو جنبش عدم تعهد هستند. این جنبش ده ها بار در پشتیبانی از فعالیت های هسته ای ایران اطلاعیه داده است. این ۱۲۰ کشور جزء جامعه جهانی نیستند اما چهارتا کشور یعنی جامعه جهانی؟! متأسفانه در داخل کشور هم می بینیم که برخی دائماً تکرار می کنند با جهان دعوا نکنیم. آیا این چندتا کشور یعنی جهان؟ آنها خودشان را جامعه جهانی می نامند و بعد می گویند اگر کسی با من طرف شد، من از جانب جامعه جهانی صحبت می کنم. مهم ترین چیزی که می تواند اینها را نگران کند این است که کسانی پرسند چه کسی به تو این حق را داده؟ مناسبات بر چه مبنایی باید این گونه شکل بگیرند؟

■ سخنرانی در دانشگاه شیراز؛ ۳۱ اردیبهشت ۹۳

## ■ پادشاهی که لخت است!

یک بار کسی در خیابان از من پرسید: «آقا، این چندتا سانترفیوژ این قدر ارزش دارد که برایشان این قدر هزینه کنیم؟» پاسخ دادم: «بروید از آنها بپرسید واقعاً این قدر ارزش دارد که این قدر سروصدا می‌کنید؟» چرا این قضیه این قدر برای آنها اهمیت پیدا کرده است؟ این چند کشور دنیا که خودشان هزاران کلاهک هسته‌ای دارند، آیا واقعاً نگران چند سانترفیوژ ما هستند که زیر نظر آژانس و دوربین‌های آن و بازرسی‌های مکررش کار می‌کنند؟ علت چیست که این قدر سروصدا می‌کنند؟ علت این است که الگویی دارد شکل می‌گیرد که نه تنها در صحیح بودن فکر دشمن تردید ایجاد می‌کند و در برابرشان مقاومت می‌کند؛ بلکه الگوی مدنظر خودش را هم محقق می‌کند. این الگو حتماً برای آنها خطرناک است، چون نمی‌خواهند فضایی ایجاد شود که این الگو بتواند سیستم آنها را نقد کند. در داستان‌های کهن بسیاری از ملّت‌ها افسانه‌ای وجود دارد. در این افسانه، پادشاه همیشه نگران این است که نکند کسی داد بزند این پادشاه لخت است و



همه متوجه بشوند و بفهمند آن تصویری که از او نزد خود ساخته‌اند، واقعیت ندارد. حتی می‌توان در برابر او هم ایستاد و موفق شد.

■ سخنرانی در دانشگاه شیراز؛ ۳۱ اردیبهشت ۹۳

## ■ از تعلیق داوطلبانه تا تخریب اجباری

در سال ۸۴ موقعی که تیم جدید، کار مذاکرات هسته‌ای را برعهده گرفت، جناب آقای لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول پرونده هسته‌ای و جناب آقای متکی، وزیر خارجه بودند. من هم معاون اروپا آمریکا وزارت خارجه بودم. ما اولین تیم مذاکره‌کننده بودیم. اولین ملاقاتمان در شهریور ۸۴ بود که به نیویورک رفتیم. در آنجا سه کشور اروپایی و آقای سولانا، اولین گفت‌وگوها را با تیم جدید انجام دادند. جلسه را آقای لاریجانی اداره می‌کردند. آقای ظریف هم سفیر ما سازمان ملل در نیویورک بودند و در جلسه حضور داشتند. آن زمان شرایطی بود که به دنبال توافقاتی که صورت گرفته بود، فعالیت‌های هسته‌ای مان را تعلیق کرده بودیم. عنوان تعلیق هم قرار بود داوطلبانه، کوتاه مدت و موقت باشد. در آن مذاکرات، جک استراو وزیر خارجه انگلیس، یوشکا فیشر وزیر خارجه آلمان و فیلیپ دوست بلازی وزیر خارجه فرانسه حضور داشتند. جدای از یوسی اف اصفهان که در پایان دولت هشتم و ابتدای دولت نهم به دستور رهبری از حالت تعلیق بیرون آمده بود، هنوز تعلیق نطنز به قوت خود باقی بود. دیدیم آنها ناراحت‌اند و می‌گویند که چرا تعلیق اصفهان را شکسته‌اید؟ آقای لاریجانی گفتند قرار نبود این تعلیق دائمی باشد. اسمش هست داوطلبانه، موقت و زمان دار.

در آنجا وزیر خارجه آلمان گفت قرار است این تعلیق به تعطیلی و سپس به تخریب منجر شود. این تصوّر طرف مقابل از روندی بود که می‌خواست دنبال کند. در آنجا پاسخ داده شد که این طور نیست و اگر دوستانی هم با شما توافق کرده‌اند، این تعلیق داوطلبانه و موقت بوده

است؛ چون شما از اعتمادسازی صحبت کردید. پس از آن مذاکره بود که تعلیق نطنز را هم برداشتیم و دانشمندان ما شروع کردند به فعالیت. روند تحقیقات هسته‌ای به‌گونه‌ای شکل گرفت و پیشرفت کرد که بعداً شاهد آن بودید.

■ سخنرانی در دانشگاه شیراز؛ ۳۱ اردیبهشت ۹۳



## ■ پله پله عقب نشینی ۱+۵ چگونه محقق شد؟

در اولین دور گفت‌وگوهایی که در آنها جانشین آقای لاریجانی شدم، با هم به رُم رفتیم. در آنجا آقای سولانا گفت موقعی ما می‌گفتیم شما یک سانتریفیوژ هم نباید داشته باشید، اما الان ۳ هزار سانتریفیوژ دارید. همین جا متوقف شوید. گفتیم دلیل این حرف چیست؟ مگر نطنز ما زیر نظر آژانس و دوربین هایش نیست؟ مگر سانتریفیوژ چیزی خلاف ان پی تی و آژانس است؟ منطق شما برای توقف چیست؟ بازرسان آژانس طبق قانون همه چیز را کنترل می‌کنند. ما عضو ان پی تی هستیم و تکالیفی داریم که انجام می‌دهیم. متناسب با آن تکالیف، حقوقی هم داریم و باید از آنها استفاده کنیم. ما نمی‌پذیریم استثنا باشیم و تکالیف کمتری داشته باشیم. آنهایی که می‌گفتند تعلیق و تعطیل و تخریب، حالا آمدند به مرحله مکث یا به قول خودشان پُوزا رسیدند.

این کار ادامه یافت و آنها گفتند حالا که توقف را قبول نمی‌کنید، دست کم بیاید ریت<sup>۱</sup> را قبول کنید. می‌خواستند هر جور شده این کار را تعطیل کنند. درست مثل همان تعلیق داوطلبانه که گفته بودند بیاید اعتمادسازی کنید. گفتیم نرخ منطق ریت چیست؟ اگر می‌توانیم ۴ هزار تا سانتریفیوژ بسازیم، چرا باید ۳ هزار و ۵۰۰ عدد بسازیم؟ بنابراین از مرحله توقف به ریت رسیدند.

■ سخنرانی در دانشگاه شیراز: ۳۱ اردیبهشت ۹۳

## ■ چرا بغداد و آلمانی محل برگزاری مذاکراتها شد؟

عده‌ای از ما می‌پرسند چرا اخیراً گفت‌وگوهای هسته‌ای معمولاً در ژنو و وین و نیویورک برگزار می‌شود و چرا زمان شما در بغداد و استانبول و آلمانی برگزار می‌شد؟ یکی از بحث‌های ما دقیقاً همین است که چرا آن نظامی که امروز نظام سلطه نام گرفته است، باید تعیین کند گفت‌وگو در چه جاهایی و چگونه صورت بگیرد؟ منطق گفت‌وگو ایجاب می‌کند که محل گفت‌وگو با توافق دو طرف انتخاب شود. چرا باید گفت‌وگوها در جاهایی که آنها می‌خواهند انجام شوند؟

ضمن اینکه مکان‌هایی که آنها انتخاب می‌کنند در موضع بی‌طرفی نیستند و علیه ما در بحث شرکت می‌کنند. در دوره گذشته ما به طرف مقابل اعلام کردیم چرا باید مکان مذاکرات، وین یا نیویورک باشد؟ آنها گفتند پس در سوئیس باشد. ما هم قبول کردیم و گفت‌وگوهای ژنو انجام شد، اما بعد از رفتاری که سوئیس با یکی از مسئولان کشور ما کرد، گفتیم به سوئیس هم نمی‌توانیم بیاییم. خانم اشتون پرسید چرا؟ جواب دادم: «وقتی یکی



از مقامات کشور ما برای گفت‌وگوی چندجانبه بین‌المللی به کشوری می‌آید و به هواپیمایش سوخت نمی‌دهند، چرا و براساس چه منطقی باید بپذیریم که به آنجا برویم؟» بعد قرار شد به استانبول برویم. بنابراین باید از این ظرفیت‌های جانبی هم استفاده کنیم.

■ سخنرانی در دانشگاه شیراز: ۳۱ اردیبهشت ۹۳

■ رسیدن به نتیجه مثبت ارزشمند است، اما نه هر نتیجه‌ای گاهی اوقات مطرح می‌شود گفت‌وگو بی نتیجه است. بله، ما نتیجه مثبت می‌خواهیم و مایل نیستیم هر نتیجه‌ای را به هر قیمتی به دست بیاوریم. موفقیت در این است که زیر بار «هر نتیجه‌ای» نروید. در مذاکرات استانبول ۱ گفتیم اگر در مذاکرات دور قبل توافق شد که همکاری حول محور امور مشترک در دستور کار دو طرف قرار بگیرد، الان باید بپذیریم که از اقتضائات همکاری، دوری از دشمنی است و این فهرست دشمنی‌هایی است که دارید انجام می‌دهید. وقتی آنها دیدند به نتیجه مطلوب خودشان نمی‌رسند، در پایان گفت‌وگوها خانم اشتون گفت حالا که این طور است، نمی‌توانیم این گفت‌وگوها را ادامه بدهیم. بعد هم گفت تلفن‌ها و دفاتر ما پاسخگو هستند. هر وقت از این نگاهتان برگشتید، می‌توانید با ما تماس بگیرید که گفت‌وگوها را ادامه بدهیم. من هم تشکر کردم و گفتم تلفن‌های ما هم پاسخگو هستند. هر وقت احساس کردید نگاهتان عوض شده است، می‌توانید با ما تماس بگیرید. بعد خانم اشتون مصاحبه کرد و گفت: «ایران در گفت‌وگوها پیش شرط می‌گذارد، لذا گفت‌وگوها پیش نمی‌رود.» من هم مصاحبه کردم و گفتم: «جالب است. قبل از گفت‌وگوها می‌گویند ایران به خاطر فشارها و تحریم‌ها پای گفت‌وگو آمده است؛ حالا می‌گویند ایران پیش شرط می‌گذارد!» چطور کسی که تحت فشار می‌آید، پیش شرط هم می‌گذارد؟ در هر حال آن مذاکرات تمام شد، اما نتیجه‌اش این شد که کمتر از یک ماه بعد، خانم اشتون نه تنها تلفن زد؛ بلکه نامه کتبی هم فرستاد که بیاید گفت‌وگوها را از سر بگیریم.

## ■ از تخریب تأسیسات هسته‌ای ایران تا راضی شدن به تعلیق ۲۰ درصد

بعد از مذاکرات استانبول ۲ بحث شد که گفت‌وگوها در بغداد انجام شود. گفتیم اگر قرار است محل گفت‌وگوها اعتباری برای سوئیس، اتریش و... شود، چرا برای کشور دوست ما نشود؟ در آن زمان بغداد، رئیس اتحادیه عرب شده بود و برخی از این موضوع دل خوشی نداشتند. می‌خواستند هرطور بود فشار بیاورند که چنین مذاکرات مهمی در آنجا انجام نشود.

در بغداد آنهایی که قبلاً از تعلیق و تعطیل و تخریب توان هسته‌ای ما حرف می‌زدند، طرحی را در سه مرحله مطرح کردند. موضوع بحثشان این بود که بتوانند غنی‌سازی ۲۰ درصد ما را متوقف کنند.

■ سخنانی در دانشگاه شیراز: ۳۱ اردیبهشت ۹۳

## ■ نماینده روسیه گفت ۵+۱ را خلع سلاح کردید!

در گفت‌وگوهای مسکو طرحمان را به صورت پاورپوینت به ۵+۱ ارائه کردیم.<sup>۱</sup> گفتیم اگر می‌خواهید به شکل جامع و حول نقاط مشترک همکاری کنیم، اینها پیشنهادهای ماست. بیانیه‌هایی که برخی می‌گویند ما می‌خواندیم، اینهاست. بعد از آن، طرف روسی مهمانی شام دو جانبه ترتیب داد. آنجا به ما گفت شما با این طرح، طرف مقابل را خلع سلاح کردید، زیرا دیگر حرفی برای گفتن نداشتند و فقط می‌گفتند برویم برای گفت‌وگوهای دور بعد.

■ سخنرانی در دانشگاه شیراز: ۳۱ اردیبهشت ۹۳

۱- این طرح الان هم در اینترنت موجود است.

## ■ کاریکاتور آزادی و استقلال در کشورهای اروپایی

در یکی دیگر از همین کشورهای اروپایی، با برخی چهره‌های سیاسی ملاقات کردیم. بعد که بلند می‌شدیم، یواشکی یکی از دیپلمات‌های اروپایی می‌آمد و می‌گفت من این حرف شما را قبول دارم؛ اما در جلسه معذور بودم و نمی‌توانستم موافقت خودم را بیان کنم. این فضای آزادی آنهاست؛ حتی برای چهره‌های سیاسی خودشان. این طور نیست که ما خیال کنیم وقتی از استقلال و آزادی بحث می‌کنیم، ایران را با دو کشوری که در فلان منطقه دور افتاده هستند، مقایسه کنیم؛ کشورهایی که نه استقلال دارند، نه آزادی. ما باید قدرت امروز ایران و استقلال و آزادی‌اش را با اصل این دو مفهوم مقایسه کنیم.

■ سخنرانی در جمع مردم گلپایگان؛ ۹ اردیبهشت ۹۳

## ■ باید از پوشش گرمایی استفاده کنید!

یک بار به یکی از همین کشورهای اروپایی رفته بودیم. در جایی ما را مهمان کرده بودند. ساعت از ده شب که گذشت، دیدیم خیلی سرد شد. گفتیم جایگاه شما که خیلی مهم است؛ پس چرا اینجا این قدر سرد است؟ گفتند ده شب به بعد باید از پوشش گرمایی استفاده کنید؛ یعنی پتو یا لحاف بیشتر. در کشوری که چهار سال بیشترین درآمد سالانه را در دنیا داشت، در یکی از بهترین مکان‌هایش می‌گفتند مصرف انرژی باید کنترل شده باشد. در اقتصاد، یکی از بهترین راه‌های مقابله با فشارهای خارجی، همین مصرف صحیح و جلوگیری از اسراف است. منظور ما از مصرف صحیح، ریاضت کشیدن نیست.

سخنرانی در جمع مردم گلپایگان؛ ۹ اردیبهشت ۹۳ ■



## ■ صادقانه برای رئیس‌جمهور نو شتم

در پیام تبریکی که بعد از انتخابات ریاست جمهوری به آقای روحانی دادم، سعی کردم جمله‌ای برمبنای سیاسی بازی و دوری از صداقت ننویسم. اگر گفتم ما به شما کمک می‌کنیم، واقعاً با اعتقاد این جمله را نوشتم؛ چون ما می‌خواهیم دولت اسلامی موفق باشد و از این کار حمایت می‌کنیم.

نگاه فرد حزب‌اللهی این نیست که «حتماً من باید باشم تا موفق باشم»، بلکه مهم این است که آن کار در جهت صحیح گفتمان انقلاب اسلامی و پیشرفت مدنظر تمدن اسلامی که رهبرانقلاب هم بر آن تأکید دارند، انجام شود. ما در این جهت کمک می‌کنیم. کمک هم این است که هر کار ایجابی‌ای که درست انجام می‌شود، خدا را شکر می‌کنیم. هر جایی هم که احساس کردیم خلاف است، حتماً براساس همان اصل هشتم قانون اساسی و امر به معروف و نهی از منکر، کمک خود را این می‌دانیم که متذکر بشویم و نظارت کنیم و بگوییم اینجا اشتباه است.

■ سخنرانی در جمع اعضای ستاد انتخابات ریاست جمهوری؛ ۲۵ خرداد ۹۲



## ■ «ریگی» چطور دستگیر شد؟

شبی از محل کار به منزل می‌آمدم. ساعت حدود ده یا یازده بود. فردی زنگ زد و گفت که هواپیمای ریگی قرار است از آسمان ایران رد شود.

واقعاً همه جوانب را بررسی کردم و بعد تصمیم گرفتم. به او گفتم هواپیمایش را داخل خاک ایران بنشانید. او گفت پس شما این را ابلاغ کنید. من همان موقع به جناب آقای فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح زنگ زدم و فقط گفتم هواپیمایی است که لطفاً دستور بدهید آن را بنشانند. آقای فیروزآبادی هم به خاطر لطفی که به ما داشت، اصلاً سؤال نکرد که موضوع چیست و چه کسی توی هواپیماست. دستور این کار را دادند.

شب خوابیدم. صبح که نماز صبح را خواندم، دوباره همان فرد با من تماس گرفت و گفت که کار انجام شد. این واقعاً پیروزی بزرگی بود و خدا را شکر کردم.

مسئولیت کار با شورای عالی امنیت ملی بود، ولی دیدم که اگر بخواهم بیشتر معطل کنم، زمان از دست می‌رود. نیم‌ساعت بیشتر وقت نداشتیم. حتی به آقای رئیس‌جمهور هم اطلاع نداده بودم. صبح که با ایشان تماس گرفتم، گفتم ضمناً این کار هم انجام شده است. ایشان هم خوشحال شد.

در اولین فرصت خدمت همان دوستان رفتم که واقعاً از سربازان گمنام امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ هستند و از ایشان تشکر کردم.

بخشی از فیلم انتخاباتی ریاست جمهوری؛ ۱۱ خرداد ۹۲ ■

## ■ کشورهای آمریکای لاتین؛ هم فرصت سیاسی و هم فرصت اقتصادی

زمانی که معاون اروپا آمریکای وزارت خارجه بودم، دیدم کشورهای حوزه آمریکای لاتین با اینکه از ما خیلی دور هستند، اما با ما نگاه‌های مشترک فراوانی در سیاست خارجی دارند. مثلاً ونزوئلا، بولیوی، نیکاراگوئه و اکوادور این‌طور بودند. این کشورها به لحاظ سیاسی هم چند بار به جد از ما دفاع کردند. برای مثال در شورای حکام آژانس، ونزوئلا به آن قطعنامه‌ای که قرار بود علیه ما صادر شود، رأی مخالف داد.

همین بحث را در مسائل اقتصادی هم دنبال کردیم. در زمانی، با ونزوئلا نزدیک ۱۱ میلیارد دلار قرارداد امضا کردیم که ۴ تا ۵ میلیارد دلار آن اجرایی شد. اکثرش هم صادرات ما به آن کشورها بود. پس چرا ما به این ظرفیت توجه نکنیم؟ همان موقع یادم هست از چند کشور اروپایی واکسن با قیمت بین چهار تا پنج دلار وارد می‌کردیم. آنها فناوری‌اش را به ما نمی‌دادند. همان زمان کوبا در بحث واکسن پیشرفت کرده بود و این واکسن را به قیمت زیر نیم دلار به



ما فروخت. الان هم این ظرفیت در اطراف ما هست و ما می‌توانیم با عراق و افغانستان، با توجه به نیازهایی که این دو کشور دارند، صادراتمان را افزایش دهیم.

برنامه تلویزیونی پاسخ به سه کارشناس؛ شبکه چهار سیما؛ ۱۸ خرداد ۹۲

## ■ گفتمان «بیا» به جای «برو»

یکی از علت‌های موفقیت‌ها و پیروزی‌های مهم ما در دفاع مقدّس «سازوکارهای» ما بود که با انقلاب اسلامی تناسب داشت. مثلاً فرمانده لشکر عراق در پشت میدان می‌نشست و به نیروهایش دستور حرکت روبه جلو می‌داد. این سازوکاری بود که آنها به کار می‌گرفتند. اما در سازوکار ما، فرمانده ابتدا به جلو می‌رفت و سپس به نیروهای زیردستش می‌گفت که بیایند و به او ملحق شوند. این تبدیل «برو» به «بیا»، باعث تحولات بزرگی شد و کارآمدی ساختار ما را افزایش داد؛ چون نیروها ظرفیت و انگیزه پیدا کردند. براین مبنا بود که با عوض شدن این سازوکار و فرهنگ، موفق شده بودیم کارآمدی ساختار را آن‌چنان بهبود دهیم که اصلاً با نیروی مقابلمان مقایسه‌شدنی نباشد.

■ برنامه «بادوربین» شبکه اول سیما؛ ۵ خرداد ۹۲

## ■ زژادخانهٔ ما در قم است، نه نطنز!

با آقای سولانا دیدار کردیم. سر میز ناهار با هم گفت و گو می کردیم. ایشان علاقه مند بود از موضوعات خارج از بحث هسته ای سؤال کند. پرسش هایی دربارهٔ نظام حکومتی ایران و ساختار حکومتی کشورمان مطرح کرد. من به او گفتم غربی ها اعتراف می کنند که نظام جمهوری اسلامی ایران، سلاح هسته ای ندارد و حرفشان این است که ما می خواهیم پیشگیری کنیم. شما سی سال است علیه ایران فعالیت می کنید. می دانید چرا موفق نشدید؟ سولانا گفت خود شما پاسخ بدهید. گفتم باید دو نکته را در نظر داشت. یکی اینکه شما با نظامی روبه رو هستید که مستظهربه پشتیبانی مردم است. همچنین این نظام مبتنی بر اندیشهٔ دینی است و این ادعا را دارد که جامع است و برای همهٔ عرصه ها، مانند اقتصاد و سیاست و فرهنگ حرف دارد. مردمی که پشتیبان این نظام هستند، فقط از آن دفاع نمی کنند، بلکه حاضرند جان خود را هم برای نظام بدهند و این امر به دلیل غنای اندیشهٔ اسلامی است. من به ایشان گفتم شما بیخود دنبال نطنز و اصفهان هستید. زژادخانهٔ اصلی ما در قم است و شما باید جلوی آنجا را بگیرید.

■ سخنرانی در جمع اعضای ستاد حیات طیبهٔ قم؛ ۱۴ خرداد ۹۲

## ■ کشوری که ظرف سه ماه، ۱ میلیون کشته داد

اگر از همه شما پرسیده شود در ۱۱ سپتامبر چه اتفاقی افتاد، کمتر کسی است که اطلاع نداشته باشد؛ اما اگر بپرسیم چند سال قبل از آن، در کشوری ظرف سه ماه، ۱ میلیون انسان کشته شده است، تقریباً کسی نیست که بداند اسم آن کشور چیست: کشور رواندا در قاره آفریقا. همان زمان وقتی از نخست‌وزیر انگلیس پرسیده می‌شود: «در این زمان که ۱ میلیون انسان کشته شده است، واکنش شما چیست؟» می‌گوید کوتاهی شده و اگر بار دیگر قرار بر تکرار چنین حادثه‌ای شد، سعی می‌کنیم جلوگیری کنیم. در صورتی که برای ۴ هزار نفر کشته ۱۱ سپتامبر چند جنگ راه می‌اندازند و گمان می‌کنند که با همین روش می‌توانند پیش بروند و به اهدافشان هم برسند. عده‌ای می‌گویند در مناسبات بین‌الملل باید واقع بین بود. حرف درستی به زبان می‌آورند، اما بخشی از واقعیت‌ها نیز همین است و باید پرسید چرا این واقعیت‌ها را نمی‌بینند.

■ سخنرانی در دانشگاه سمنا: ۲۷ مهر ۹۵

## ■ فکر می‌کردیم وارد شهر عجیب و غریبی می‌شویم

یکی از همتایان اروپایی که با او دربارهٔ موضوع خاصی بحث مفصلی کردیم، می‌گفت: «وقتی وارد تهران شدم، به جاهای مختلف سرزدم. فکر نمی‌کردم شاهد چنین پیشرفتی باشم.» هنگامی که بحثمان به موضوع حقوق بشر رسید، به او گفتم این موضوع هم مانند همان مسئله است که خودت گفتی. در واقع تصویر غلطی به تو ارائه کرده‌اند. تا واقعیت را نبینی، موضوع برایت روشن نمی‌شود. در دنیایی که آن را دهکدهٔ جهانی معرفی می‌کنند، چهره‌ای را از ایران نشان داده‌اند که مقامات خودشان می‌گفتند فکر می‌کردیم وقتی وارد تهران می‌شویم، قرار است وارد شهر عجیب و غریبی شویم.

■ سخنرانی در دانشگاه سمنان؛ ۲۷ مهر ۹۵



## ■ وقتی غذای قطار اتریشی باشد!

امروز با قطار به سمنان آمدم. واقعاً درست است که مدت ده سال سرویس غذای قطارهایمان هم به اتریشی‌ها داده شود و افتخار کنیم که در اینجا با خدمات شرکت پذیرایی اتریش، پذیرایی انجام می‌شود؟ این همان فرصت‌های شغلی است که آن را نادیده می‌گیرند. در چنین شرایطی باید گفت ظاهراً ایرانی، آبگوشت هم نمی‌تواند درست کند که فرصت شغلی تهیه غذای قطار را هم به دست اتریشی‌ها داده‌ایم!

■ سخنرانی در دانشگاه سمنان؛ ۲۷ مهر ۹۵

### ■ مهم‌تراز تحریم‌های فلج‌کننده

آنچه که مهم‌تراز تحریم‌های فلج‌کننده است و دشمن را به طمع می‌اندازد، تحلیل‌های فلج‌کننده است؛ تحلیل‌هایی که ملت‌ی را دچار تردید کند تا اعتماد به نفس خود را از دست بدهند و قدرت و توانمندی داخلی تحقیر شود. این تحلیل‌ها در نهایت به جای اینکه ملت‌ی را به سمت تکیه بر خود ببرد، او را دلبستهٔ سراب وعده‌های دشمن می‌کنند.

■ سخنرانی در جمع مردم آمل: ۸ مهر ۹۵

## ■ اقتصاد به سبک شاهزاده فرانسوی

اگر امروز در جنگ تمام عیار اقتصادی هستیم و باور داریم که اشتغال و مبارزه با بیکاری موضوع مهمی است؛ برای حل آن نیازمند قرارگاهی هستیم. به تعبیر امام در این قرارگاه، جایی برای مرفه‌ان بی‌درد و صاحبان حقوق‌های نجومی نیست. برخی مسئولان مانند آن شاهزاده فرانسوی هستند که در برج عاج بی‌دردی نشسته بود و برای مردم نسخه می‌پیچید. هنگامی که به او می‌گفتند مردم نان برای خوردن هم ندارند، می‌گفت: «پس کیک بخورند.» تجویزهایی که بعضی از مسئولان در این روزها می‌کنند، شبیه همین تعبیر است. هنگامی که گفته می‌شود مردم چنین مشکلات اقتصادی‌ای دارند و می‌شود آن مشکلات را با وحدت و اتکا به قدرت ملی برطرف کرد، می‌گویند: «امروز، مشکل مردم کنسرت است. باید مواظب باشیم کنسرت مردم منع نشود.» این یعنی درست‌کردن مسائل موهوم و غافل‌شدن از مسائل اصلی.

■ سخنرانی در مسجد میثم تهران: ۱ مهر ۹۵

## ■ مقید هستیم به بچه‌ام لقمه حلال بدهم

باید به داشته‌های خودمان توجه کنیم. چه فرهنگی است که باعث می‌شود دشمنان بگویند در لبنان، سوریه و... نمی‌توانیم به آنچه می‌خواهیم برسیم؟ آنها با همه ظرفیتشان پای کار آمده‌اند. آبروی خودشان را هم گذاشته‌اند. حتی حاضر می‌شوند از تروریسم حمایت کنند. همه این کارها را می‌کنند، اما باز هم نمی‌توانند به هدفشان برسند. مقاله‌های آنها را بخوانید. می‌گویند فردی به نام «ژنرال سلیمانی» هست که تا او هست، مشکل حل نمی‌شود. مگر ژنرال سلیمانی کیست؟ مگر چه قدرتی تولید می‌کند؟ من دیروز خدمت پدر بزرگوار ایشان رسیدم و از ایشان همین سؤال را کردم. گفتم امروز حاج قاسم افتخار جهان اسلام است. شما چه کردید که این فرزند این‌طور تربیت شد؟ ایشان در دو جمله خیلی ساده گفت: «یکی اینکه من مقید هستیم به بچه‌ام لقمه حلال بدهم؛ دیگر اینکه همیشه حواسم هست در مبارزه با ظلم، خدا را در نظر داشته باشم.» پیرمردی روستایی که هیچ ادعایی هم ندارد این را می‌گوید. این فرهنگ انقلاب اسلامی است.

■ سخنرانی در جمع مردم کرمان: ۲۸ خرداد ۹۳





